



علی اکبر مهدی پور

مقدّس حضرت بقیة اللّٰه (ارواحنا فداه) تسلیت گفته، به گوشه‌ای از زندگی پر بار آن بانوی با فضیلت اشاره می‌کنیم:

**نَسَبُ حَضْرَتِ خَدِیجَةَ ۱**

او دخت گرامی «حَوَیْلِد» فرزند اَسَد، فرزند عبد العُزَی، فرزند قُصَی، فرزند کلاب، فرزند مُرّة، فرزند کعب، فرزند لُوی، فرزند غالب، فرزند فِهر است. ۱ مادرش، فاطمه، دخت زائده، پسر اَصم، پسر رِواحه، پسر حَجَر، پسر

در میان میلیونها بانوی با فضیلت جهان، تنها یک بانو این افتخار را پیدا کرد که دُرّ شاهوار جهان آفرینش، دُرّدانه بی‌همتای خداوند مَنان باشد و سرور بانوان عالم، دخت گرانمایه پیامبر خاتم، وجود اقدس فاطمه اطهر ۱ را در صدف خود پیوراند، و او کسی جز حضرت خدیجه ۱ نیست.

دهم رمضان، یادآور ارتحال این بانوی بزرگ، روز یتیمی کوثر قرآن و روز غم و اندوه خاندان عصمت و طهارت است.

این مصیبت بزرگ را به پیشگاه

۱. السیرة النبویة، ابن هشام، تحقیق طه عبد الرؤف سعد، بیروت، دار الجیل، ۱۴۱۰ ق، ج ۲،

## ۱. امّ المؤمنین

همسران پیامبر و در رأس آنها حضرت خدیجه «امّ المؤمنین» لقب یافته‌اند<sup>۵</sup> و پیامبر اکرم ﷺ او را «برترین و بهترین امهات مؤمنین» خوانده است.<sup>۶</sup>

## ۲. بانوی بانوان

امیر مؤمنان ﷺ در چکامه‌ای که در سوگ حضرت خدیجه سرود، از آن حضرت به عنوان «سیدة النسوان» تعبیر فرمود،<sup>۷</sup> امام کاظم ﷺ وی را «سیدة قریش» تعبیر فرمود،<sup>۸</sup> اسماء بنت عمیس، آن خانم را «سیدة نساء العالمین» می‌خواند<sup>۹</sup> و در عهد جاهلی

عبد، پسر معیص، پسر عامر، پسر لؤی، پسر غالب، پسر فِهْر است.<sup>۱</sup>

حضرت خدیجه از تیره قریش است که از سوی پدر در نیای سوّم (قُصَی) و از سوی مادر در نیای هشتم (لؤی) بانسب پیامبر، پیوند می‌خورد.

«خوئیلد»، قهرمان دلاوری بود که هنگام تهاجم «تُبّع»، پادشاه خودکامه «یمن»، دست به شمشیر برد، در برابرش مردانه شمشیر زد و او را با ذلت از حریم کعبه دور ساخت.<sup>۲</sup>

هنگام جلوس «سیف بن ذی یزن» بر تخت سلطنت، او همراه عبدالمطلب از سوی قریش به «صنعا» رفت و در کاخ «غمدان» با وی دیدار کرد.<sup>۳</sup>

پدر خوئیلد، «اسد» نیز در اجتماع «حلف الفضول» - که برای دفاع از مظلومان برگزار شد و به «پیمان جوانمردان» موسوم شد - شرکت فعال داشت.<sup>۴</sup>

## کنیه و القاب

برای آن خانم، القاب و کنیه‌های فراوانی نقل کرده‌اند که برخی از آنها عبارت است از:

۱. همان.

۲. الانوار الساطعة، سیلاوی، ص ۹.

۳. تاریخ مکه، ازرقی، تحقیق رشدی صالح ملحسن، مکتة المکرمة، دار الثقافة، ج سوم، ۱۳۹۸ق، ج ۱، ص ۱۴۹.

۴. همان، ص ۲۶۶.

۵. احزاب/ ۶.

۶. الانوار الساطعة، سیلاوی، ص ۲۲۶.

۷. بحار الانوار، علامه مجلسی، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۸۰ق، ج ۳۵، ص ۱۴۳.

۸. قرب الإسناد، حمیری، قم، مؤسسه فرهنگی کوشانپور، ۱۴۱۷ق، ص ۲۵۲، ح ۱۲۳۲.

۹. فاطمة الزهراء، قزوینی، قم، بصیرتی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۱۰.

طاهره، زکیه، راضیه، مرضیه، خدیجه کبری ام المؤمنین»<sup>۹</sup>

### سیمای خدیجه در آیینه وحی

نخستین سیر شبانه خاتم انبیا ﷺ دو سال پس از بعثت در شب دوشنبه‌ای در ماه ربیع الاول انجام گرفت.<sup>۱۰</sup> و هنگامی که از معراج به سوی زمین بازمی‌گشت، از سوی پیک وحی، این‌گونه به او خطاب شد: «حَاجَتِي أَنْ تَقْرَأَ عَلَيَّ خَدِيجَةَ مِنَ اللَّهِ وَمِنِّي

او را «سیده نساء قریش» می‌خواندند.<sup>۱</sup>  
۳. صدیقه

گلوازه صدیقه در قرآن، فقط یکبار درباره حضرت مریم به کار رفته<sup>۲</sup> و امام صادق (ع) آن را معصومه معنا کرده است.<sup>۳</sup>

پیامبر اکرم ﷺ در معرفتی حضرت خدیجه خطاب به جبرئیل فرمود: «هَذِهِ صِدِّيقَةُ أُمَّتِي»<sup>۴</sup> این صدیقه امت من است.

### ۴. طاهره

مشهورترین لقب آن حضرت در عصر جاهلی «طاهره» بود.<sup>۵</sup> زیرا او پاک‌ترین و عقیف‌ترین بانوی آن دوران بود.<sup>۶</sup>

### ۵. مبارکه

محدث قمی چنین روایت کرده است: «خداوند به حضرت عیسی (ع) وحی فرمود که نسل پیامبر آخر الزمان از بانویی «مبارکه» است.»<sup>۷</sup> عبد الله بن سلیمان نیز این معنا را از انجیل نقل کرده است.<sup>۸</sup>

### ۶. دیگر القاب

در یکی از زیارتنامه‌های پیامبر اکرم ﷺ آمده است: سلام بر... صدیقه،

۱. شرح المواهب اللدنیة، زرقانی، ج ۱، ص ۱۹۹.

۲. مانده/۷۵.

۳. اصول کافی، کلینی، تحقیق علی اکبر غفاری، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۰۵ ق، ج ۱، ص ۴۵۹.

۴. البداية والنهاية، ابن کثیر، بیروت، مكتبة المعارف، ۱۴۰۸ ق، ج ۲، ص ۶۲.

۵. الاصابة، ابن حجر، بیروت، دار الکتب العلمیة، افست، چاپ کلکته هند، ۱۸۳۵ م، ج ۸، ص ۶۰.

۶. شرح المواهب اللدنیة، زرقانی، ج ۱، ص ۱۹۹.

۷. کحل البصر فی سیرة سید البشر، محدث قمی، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴ ق، ص ۷۰.

۸. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۲.

۹. همان، ج ۱۰۰، ص ۱۸۹.

۱۰. مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، بیروت، دار الاضواء، دوم، ۱۴۱۲ ق، ج ۱، ص ۲۲۸.

مادرت در قصری از مروارید است که سقفش از طلا و ستونهایش از یاقوت سرخ و در میان مریم و آسیه است.»

اینجا هم حضرت فاطمه - که در آن ایام ۵ ساله بود - عرض کرد: «خدای، خود سلام است. سلام از او و به سوی او است.»<sup>۴</sup>

### خدیده کبری از دیدگاه رسول خدا ﷺ

از رسول اکرم ﷺ احادیث فراوانی در مناقب حضرت خدیجه رضی الله عنها رسیده است که فقط به شماری از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. خدیجه، صدیقه امت من است.<sup>۵</sup>

۲. هر روز چندین بار خداوند به خدیجه بر فرشتگان مباحثات می‌کند.<sup>۶</sup>

السَّلَام؛ خواسته‌ام این است که از سوی خدا و از طرف من (جبرئیل) به خدیجه سلام برسانی.»

وقتی پیامبر اسلام ﷺ درود خداوند متعال و جبرئیل امین را به حضرت خدیجه ابلاغ فرمود، عرضه داشت: «خداوند، خود سلام است، سلام از او و به سوی اوست و بر جبرئیل سلام باد.»<sup>۱</sup>

یک بار دیگر، پیک وحی بر حضرت پیامبر فرود آمد و گفت: «این خدیجه است که برای تو غذا و نوشیدنی آورده است؛ چون نزد تو آید از خدا و از من به او سلام برسان و او را به قصری از مروارید در بهشت بشارت بده که در آن، نه سر و صدایی است و نه غم و اندوهی.»<sup>۲</sup>

ذهبی گوید: «بر صحیح بودن این حدیث، اتفاق نظر هست.<sup>۳</sup> پس از ارتحال آن بانو، حضرت فاطمه رضی الله عنها در اطراف پیامبر خدا ﷺ می‌چرخید و می‌گفت: «مادرم کجاست؟» پیک وحی فرود آمد و عرضه داشت: «پروردگارت امر می‌فرماید که به فاطمه سلام برسانی و بگویی که

۱. التفسیر، عیاشی، قم، مؤسسة البعثة، ۱۴۲۱ ق، ج ۳، ص ۳۵.

۲. الصحیح، بخاری، بیروت، دار الجیل، افست چاپ سلطانی، بولاق، ۱۳۱۳ ق، ج ۵، ص ۴۸.

۳. سیر اعلام النبلاء، ذهبی، بیروت، مؤسسة الرسالة، نهم، ۱۴۱۳ ق، ج ۲، ص ۱۱۳.

۴. الامالی، شیخ طوسی، قم، مؤسسة البعثة، ۱۴۱۴ ق، ص ۱۷۵، ح ۲۹۴.

۵. البدایة والنهایة، ابن کثیر، ج ۲، ص ۶۲.

۶. بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۷۸.

اکرم عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، علی، فاطمه، حسن و حسین را فرا خواند و کسایبی بر فراز آنها انداخت و فرمود: «بار خدایا! اینها اهل بیت من هستند.» و همه اینها از خدیجه نشأت گرفته‌اند؛ زیرا حسن و حسین، فرزندان فاطمه و فاطمه دختر خدیجه است و علی نیز در کودکی در خانه خدیجه تربیت شده و در بزرگی، داماد او شده است.<sup>۸</sup>

ابن حجر گوید که فرستاده خدا عَلَيْهِمُ السَّلَامُ در حدیثی با سند نیکو فرموده است: «لَقَدْ فَضَّلْتَ خَدِيجَةَ عَلَيَّ نِسَاءِ أُمَّتِي؛ خدیجه بر بانوان امت من برتری یافته است.»

۳. خدیجه برترین امهات مؤمنین است.<sup>۱</sup>

۴. هرگز خدا همسری بهتر از او برای من جایگزین نکرده است.<sup>۲</sup>

۵. برترین بانوان بهشتی، خدیجه دخت خویلد و فاطمه دخت محمد است.<sup>۳</sup>

۶. خدیجه بر بانوان امت من برتری داده شده است.<sup>۴</sup>

۷. خداوند محبت خدیجه را بر من ارزانی داشت.<sup>۵</sup>

۸. خدیجه در ایمان به خدا و من، گوی سبقت را از همه بانوان عالم ربود.<sup>۶</sup>

۹. خداوند شکم مادرت را (خطاب به حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ) ظرف امامت قرار داد.<sup>۷</sup>

### خدیجه مام فضیلتها

ابن حجر عسقلانی گوید که حضرت خدیجه، سرچشمه اهل بیت پیامبر عَلَيْهِمُ السَّلَامُ است، زیرا در تفسیر آیه شریفه «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»<sup>۱</sup> ثابت شده است که ام سلمه گفت:

«چون این آیه نازل شد، پیامبر

۱. الانوار الساطعة، سیلوی، ص ۷.  
 ۲. فتح الباری، ابن حجر، بیروت، دار المعرفة، ج ۷، ص ۱۴۰.  
 ۳. همان، ص ۱۳۹.  
 ۴. تاریخ دمشق، ابن عساکر، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ ق، ج ۷۴، ص ۸۴.  
 ۵. کفایة الطالب، گنجی شافعی، تهران، دار احیاء التراث اهل البیت، سوم، ۱۴۰۴ ق، ص ۳۵۹.  
 ۶. المستدرک علی الصحیحین، حاکم، بیروت، دار الفکر، ۱۳۹۸ ق، ج ۳، ص ۱۸۴.  
 ۷. مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۳۸۳.  
 ۸. فتح الباری، ابن حجر، بیروت، دار المعرفة، بی تا، ج ۷، ص ۱۳۸.

با این حدیث، بر برتری خدیجه بر عایشه استدلال شده است.<sup>۱</sup>

سپس چنین می‌گوید: پیامبر اکرم ﷺ در حدیثی صحیح‌السند فرموده است: «أَفْضَلُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ خَدِيجَةُ وَفَاطِمَةُ وَمَرْيَمُ وَأَسِيَّةُ» برترین بانوان بهشت؛ خدیجه، فاطمه، مریم، و آسیه‌اند.

این حدیث، صریح است و قابل تأویل نیست.<sup>۲</sup>

این کثیر شماری از فضایل ویژه حضرت خدیجه را بر می‌شمرد و سپس می‌گوید: «برخی از اهل سنت، غلو می‌کنند و عایشه را بدین سبب که دختر ابو بکر است بر خدیجه تفضیل می‌دهند».<sup>۳</sup>

ابن حجر در ادامه، نکته ظریفی را نقل می‌کند و آن این است: «قدر مشترک در میان مریم، آسیه و خدیجه، این است که هر یک از اینها، پیامبر مرسل را تحت کفالت خود گرفته است:

۱. آسیه، حضرت موسی علیهما السلام را کفالت و تربیت کرد و چون مبعوث شد به او ایمان آورد.

۲. مریم، حضرت عیسی علیها السلام را کفالت و بزرگش کرد و چون مبعوث شد به او گروید.

۳. خدیجه پیشنهاد ازدواج به پیامبر اسلام داد، همه اموالش را در راه او تقدیم کرد و چون وحی بر آن حضرت نازل شد به او ایمان آورد.<sup>۴</sup>

بخاری با سند صحیح از برخی همسران پیامبر روایت می‌کند که می‌گفت: «من هرگز به هیچ زنی چون خدیجه حسد نورزیدم.» آن‌گاه عامل این حسد را دو چیز بیان می‌کند:

۱. پیامبر از او به کثرت یاد می‌کرد؛  
۲. خداوند به پیامبر امر فرموده بود که خدیجه را بشارت دهد به خانه‌ای در بهشت از «قَصَب»، یعنی مروارید، که در آن «صَحْب» و «نَصَب»، یعنی سر و صدا و رنج و درد، وجود ندارد.<sup>۵</sup>

ابن حجر در شرح این حدیث از

۱. همان، ص ۱۳۵.

۲. همان.

۳. البداية والنهاية، ابن کثیر، ج ۳، ص ۱۲۹.

۴. همان.

۵. الصحيح، بخاری، ج ۵، ص ۴۸.

می‌کرد که با ثروتش تجارت کنند؛ هم سود ببرند و هم به او سود رسانند. شیوه تجارت آن بانوی بادرایت، مضاربه بود. ابن هشام در این باره می‌نویسد:

«خدیجه دخت خویلد بانویی تاجر پیشه بود و ثروت و شرافت داشت. او مردان را استخدام می‌کرد و با آنها قرارداد می‌بست و از طریق مضاربه با آنها رفتار می‌کرد.»<sup>۳</sup>

آن بانو، با پیامبر اکرم ﷺ نیز همین‌گونه رفتار می‌کرد؛ جز اینکه برای آن حضرت، حق مضاربه بیش‌تری تعیین می‌کرد و غلام خود «میسره» را نیز در محضر آن حضرت می‌فرستاد و گرنه حضرت مصطفی ﷺ هرگز برای کسی اجیر نشده است.<sup>۴</sup>

### فرزانه قریش

آوازه دختر خویلد در سراسر حجاز پیچید. بازرگانانی که با ثروت او

«سهیلی» نقل می‌کند که تعبیر «قَصَب» از این جهت است که آن بانوی بزرگوار، گوی سبقت را از همه بانوان جهان ربوده است. تعبیر «صَخَب» از این جهت است که حضرت خدیجه، هرگز با پیامبر درگیر نشد، صدایش را بلند نکرد، سر و صدا ایجاد نکرد و خانه را محیط امن و آرام قرار داد. تعبیر «نَصَب» هم از این جهت است که وی بر خلاف برخی همسران پیامبر هرگز آن حضرت را نیاززد.

از این رهگذر، خداوند قصری در بهشت به آن حضرت عطا فرمود که محیط آرام، بی‌سر و صدا و بدون اذیت و آزار باشد.<sup>۱</sup>

### ثروتمندترین بانوی دوران

ذهبی از واقدی نقل کرده است که خویلد پدر خدیجه، پیش از جنگ فجار درگذشته بود... و این موضوع در میان اصحاب ما مورد اتفاق است.<sup>۲</sup>

حضرت خدیجه با عقل و درایت خود آنچه از پدر به ارث برده بود را در راه ایجاد اشتغال برای جوانان حجاز به کار گرفت و تجارت گسترده‌ای به راه انداخت. وی همه جوانان را تشویق

۱. فتح الباری، ابن حجر، ج ۷، ص ۱۲۸.

۲. سیر اعلام النبلاء، ذهبی، ج ۲، ص ۱۱۱.

۳. السیره النبویه، ابن هشام، ج ۲، ص ۵.

۴. التاریخ، یعقوبی، نجف، المكتبة الحیدریة،

۱۳۸۴ ق، ج ۲، ص ۱۶.

یعنی یکتاپرست و پیرو آیین حضرت ابراهیم علیه السلام بود. آخرین اوصیای حضرت ابراهیم، حضرت ابو طالب و حضرت عبدالمطلب بودند که وی آنها را درک کرده و نویدهای آنها را درباره جوان هاشمی شنیده بود.

روز میلاد مسعود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حضرت ابو طالب خطاب به همسرش فرمود: «سی سال صبر کن تا همانند او را - به جز نبوت - برای تو بیاورم.»<sup>۴</sup>

در دوران کودکی وی بود که عبدالمطلب به فرزندانش سفارش می کرد که هر کدام بعثت آن حضرت را درک کند به او ایمان بیاورد.<sup>۵</sup>

محمد، جوانی ۲۰ ساله بود که ابو طالب گفت: «پدرم به من خبر داده است که او همان پیامبر موعود است.»<sup>۶</sup> فرزانه قریش که این معلومات را

تجارت می کردند، آوازه او را از مرز حجاز گذراندند و شهرتش را در بلاد اطراف، به ویژه در سرزمین یمن به گوش سلاطین رساندند.

دلاوریهای پدرش خویلد در برابر «تُبَع» پادشاه خودکامه یمن<sup>۱</sup> از یکسو و دیدار تأثیرگذار وی در کاخ «عُمدان» با «سیف بن ذی یزن» در صنعاء،<sup>۲</sup> از دیگر سو، باعث شد که همه اعیان و اشراف یمن، آرزوی همسری فرزانه قریش را در دل پیرووراندند.

ولی حضرت خدیجه هشیارتر از آن بود که با آن ثروت و مکنّت و جمال و کمال، در برابر پیشنهادهای آنان سر فرود آورد. او فقط دل در گرو جوانی هاشمی داشت و منتظر روزی بود که در دل امین بنی هاشم راه یابد.

مورخان، اتفاق نظر دارند که در میان اعیان و اشراف منطقه، صاحب ثروت و صاحب مکنّتی نماند؛ جز اینکه از حضرت خدیجه خواستگاری کرد و او دست ردّ بر سینه همگان زد.<sup>۳</sup>

### خدیجه و چگونگی شناخت از

#### پیامبر

آن بانوی بزرگوار از حُنَفَاء بود؛

۱. الانوار الساطعة، سیلاوی، ص ۹.

۲. تاریخ مکه، ازرقی، ج ۱، ص ۱۴۹.

۳. الاستغاثه، ابو القاسم کوفی، نجف، بی تا، بی تا، ج ۱، ص ۷۰.

۴. امتهات المعصومین، آیت الله شیرازی،

بیروت، دارالعلوم، ۱۴۲۴ق، ص ۹۰.

۵. اصول کافی، ج ۱، ص ۴۵۲.

۶. بغیة الطالب، عاملی، قم، المكتبة الحیدریة،

۱۴۲۸ق، ص ۹۰.



حضرت ابو طالب با کاروان تجارتی به شام می‌رود و پیامبر اکرم ﷺ را که در سنین نوجوانی بود، همراه خود می‌برد. در بُصری راهبی به نام «بحیرا» برای اولین بار، کاروان را به ضیافت دعوت می‌کند و پس از گفتگوی فراوان، به ابو طالب می‌گوید: «او را زود برگردان که اگر یهود او را ببینند، شناسایی می‌کنند و به وی آزار می‌رسانند.»<sup>۳</sup>

این خبر در مکه پخش می‌شود و فرزانه قریش نیز آن را به خاطر می‌سپارد.

اکنون جوان هاشمی به ۲۵ سالگی رسیده است و با پول خدیجه به صورت مضاربه عازم تجارت است. خدیجه، غلام مخصوص خود «میسره» را با او می‌فرستد و به او توصیه می‌کند که از آن حضرت جدا نشود و هر چه می‌بیند به خاطر بسپارد.

در بایگانی حافظه گرد آورده است، دل در گرو جوان هاشمی می‌سپارد و به همه خواستگاران از هر تیره و گروه، جواب منفی می‌دهد.

در سفر تاریخی خویلد (پدر خدیجه) با حضرت عبدالمطلب به یمن برای تبریک و تهنیت به «سیف بن ذی یزن» در ایام جلوس او بر تخت سلطنت، پادشاه به او خبر می‌دهد که این ایام باید پیامبر موعود متولد شده باشد، نامش «محمد» است، در میان شانهاش مهر نبوت است، پدر و مادرش فوت می‌کند، عمو و پدر بزرگش کفالت او را برعهده می‌گیرند...<sup>۱</sup>

سیف بن ذی یزن، به صراحت می‌گوید: «سوگند به کعبه که تو پدر بزرگ آن پیامبر موعود هستی. پس حضرت عبدالمطلب به سجده می‌افتد و سجده شکر به جای می‌آورد.»<sup>۲</sup>

خویلد برمی‌گردد و این سخنان را به عنوان سوغات سفر می‌آورد و در میان اهل و عیالش بازگو می‌کند و فرزانه قریش، آن را آویزه گوش خود می‌سازد.

۱. التاریخ، یعقوبی، ج ۲، ص ۱۱.

۲. دلائل النبوة، ابو نعیم، بیروت، دار الفانس،

۱۴۱۹ ق، ج ۱، ص ۹۷.

۳. الخصائص الکبری، سیوطی، بیروت، دار

الکتب العلمیة، ۱۴۲۴ ق، ج ۱، ص ۱۵۵.

در این سفر، راهبی به نام «نسطور» از میسره می پرسد: «این مرد که زیر این درخت نشسته کیست؟» می گوید: «او مردی از قریش از اهل حرم است.» نسطور با قاطعیت به او اعلام می کند که او پیامبر است.

میسره چون برمی گردد، سخن راهب را برای بانویش بازگو می کند و در ضمن مشاهدات خود می گوید که چون هوا گرم می شد، دو فرشته، بالهای خود را بر سر او می افراشتند و بر او سایه می انداختند.<sup>۱</sup>

سالها پیش نیز یکی از احبار یهود، جوان هاشمی را در منزل خدیجه دید و به او گفت: او همان پیامبر موعود است که نشانه های او را در تورات خوانده ام. بانویی از قریش با او ازدواج می کند که سرور بانوان بهشت است؛ مبادا تو از این شرف محروم شوی.<sup>۲</sup>

ورقه بن نوفل، پسر عموی خدیجه نیز او را تشویق می کرد و می گفت: «پیامبری که برای این امت وعده داده شده است و ما در انتظار او هستیم، وقت ظهورش فرا رسیده است؛ به راستی، محمد، همان پیامبر

موعود این امت است.»<sup>۳</sup>

پسیدار شدن این بشارتها و نویدها، پشت سر یکدیگر، فرزانه قریش را در تصمیم خود محکم تر می ساخت و او را در موضع سرسختی که گرفته بود مصمم تر می ساخت. این نویدها بود که همه اشراف منطقه را در نظرش بی اهمیت می ساخت و تنها آن جوان هاشمی را شایسته همسری جلوه می داد.

**گامی استوار به سوی زندگی پایدار**

حضرت خدیجه، گذشته از جمال، کمال، مال و منال، از دانش، بینش، اصالت اندیشه، سلامت فکر، صلابت رأی، دقت نظر و قدرت تصمیم گیری به موقع برخوردار بود. از این رهگذر پس از دست رد زدن بر سینه سلاطین یمن، اشراف طائف و بزرگان حجاز، تصمیم گرفت که با عزم جزم، سنت رایج را بشکند و در انتظار خواستگاری از سوی جوان هاشمی

۱. السیره النبویه، ابن هشام، ج ۱، ص ۳۲۲.

۲. همان، ج ۲، ص ۶.

۳. بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۵۵.

وی خواهرش، هاله را نیز نزد  
عمّار فرستاد تا موانع این پیوند مقدّس  
را برطرف کند.<sup>۴</sup>

### انگیزه ازدواج

حضرت خدیجه علّت این همه  
پافشاری بر تحقّق یافتن این پیوند  
مقدّس را به «صفیه» چنین بیان کرد:  
«إِنِّي قَدْ عَلِمْتُ أَنَّهُ مُؤَيَّدٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ؛ من  
به طور حتم و یقین می دانم که او از  
سوی پروردگار عالمیان، مورد تأیید  
است.»<sup>۵</sup>

آن حضرت، به شخص پیامبر  
عرضه داشت: «به خدا سوگند! من با  
شما چنین رفتار نمی کنم، جز برای  
اینکه امید دارم شما همان پیامبری  
باشید که برانگیخته خواهد شد.»<sup>۶</sup>

آن گاه دیگر ویژگیهای حضرت را  
چنین شماره کرد: «ای پسر عمو، من به  
این دلایل، دل در گرو تو دارم:  
۱. خویشاوند من هستی؛

نشینند؛ بلکه با یک سنّت شکنی، او به  
سراغ شوهر ایده آل خود برود.

وی از بانوی فرزانه ای به نام  
«نفیسه» کمک گرفت و وعده دیدار با  
امین قریش تعیین کرد. خدیجه در این  
دیدار با صراحت گفت: «ای امین  
قریش! من دختر شایسته ای برای شما  
در نظر گرفته ام.»

امین قریش پرسید: «کیست؟»  
عرضه داشت: «هِيَ مَمْلُوكَتُكَ خَدِيجَةُ؛ او  
کنیز شما خدیجه است.»<sup>۱</sup> جوان  
هاشمی فرمود: «تو صاحب مال و  
مکنت هستی و من چیزی از مال دنیا  
ندارم. من، دنبال همسری چون خود  
هستم.»

حضرت خدیجه با بیانی شیرین و  
دلنواز، عرضه داشت: «من خودم،  
ثروتم، کنیزانم و آنچه در تصرف من  
است، از آن شمامست و تابع فرمان  
شما.»<sup>۲</sup>

آن گاه خلعت گرانمایی به صفیه  
(عمّه پیامبر) بخشید و گفت: «ای  
صفیه! تو را به خدا سوگند می دهم که  
مرا یاری کنی تا به وصال محمّد  
برسم.»<sup>۳</sup>

۱. السيرة النبوية، ابن هشام، ج ۲، ص ۱۰.

۲. التاريخ، يعقوبی، ج ۲، ص ۱۶.

۳. بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۵۵.

۴. همان، ص ۵۸.

۵. التاريخ، يعقوبی، ج ۲، ص ۱۶.

۶. بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۵۷.

اینکه بر او برتری یابد و با احدی از مردمان مقایسه نمی‌شود؛ جز اینکه بر او فزونی یابد و هرگز با احدی برابری نمی‌کند. او از نظر مال دنیا ثروت کم‌تری دارد؛ ولی ثروت برای گذران زندگی است و سایه‌ای ناپایدار.

اکنون ما برای خواستگاری آمدیم به رضایت و دلخواهش. و آنچه مهریه از نقد و نسیه بخواهید از مال من است. سوگند به پروردگار بیت که برای او جایگاهی رفیع، دینی جهان شمول و درایتی کامل است.»  
آن بانو شخصاً سخن گفت و رضایت خود را اعلام کرد.

حضرت ابو طالب، شتری نحر کرد، ولیمه عروسی برگزار شد و زفاف انجام یافت.<sup>۲</sup>

#### مهریه حضرت خدیجه

حضرت خدیجه ۴۰۰۰ دینار به عباس داد که آن را به خانواده خدیجه به عنوان مهریه بپردازد؛<sup>۳</sup> ولی مسلم، این است که رسول خدا ﷺ به او ۵۰۰

۲. از شرافت والایی برخورداری؛  
۳. در میان قوم خود به امانت شهرت داری؛

۴. فردی راست گفتاری؛

۵. اخلاقی نیکو داری.»<sup>۱</sup>

هر فرزای از سخنان خدیجه حکایت از نظر صائب، اندیشه استوار، دانش و بینش وافر، دقت نظر و عمق درایت او می‌کند.

#### لحظة انتظار

سرانجام، لحظة انتظار فرا رسید و رؤیاهای طلایی خدیجه تعبیر شد. حضرت ابو طالب، حمزه و دیگر بزرگان خاندان رسالت به منزل خدیجه آمدند و سعادت دو جهان را برایش به ارمغان آوردند. حضرت ابو طالب رشته سخن را به دست گرفت و فرمود: «سپاس و ستایش به پروردگار این بیت که ما را از نسل ابراهیم و از تبار اسماعیل قرار داد، ما را در حرم امن خود جای داد و زمامدار مردم کرد و این شهر را برای ما مبارک ساخت.

این برادرزاده من هرگز با احدی از رجال قریش مقایسه نمی‌شود؛ جز

۱. فتح الباری، ابن حجر، ج ۷، ص ۱۳۴.

۲. دلائل الامامة، طبری، ص ۷۷.

۳. الکافی، ج ۵، ص ۳۷۴.

درهم به عنوان مهریه تقدیم کرد.<sup>۱</sup>  
 براساس نقل مورخان و  
 سیره‌نویسان، پیامبر اکرم ﷺ دوازده و  
 نیم اوقیه، یعنی ۵۰۰ درهم به حضرت  
 خدیجه پرداخت.<sup>۲</sup> براساس روایات  
 معصومان علیهم‌السلام مهریه همه همسران  
 پیامبر ۵۰۰ درهم است؛<sup>۳</sup> ولی درباره  
 این بانوی بزرگوار، حضرت ابو  
 طالب علیه‌السلام ۲۰ شتر جوان از مال خودش  
 افزود.<sup>۴</sup>

### تاریخ ازدواج

بی‌گمان، سال ازدواج فرستاده  
 خدا ﷺ با این بانوی باکرامت، سال ۲۵  
 عام الفیل، ۱۵ سال پیش از بعثت و ۲۸  
 سال پیش از هجرت بوده است. این  
 رویداد مبارک در ماه ربیع الاول بوده و  
 اختلافی در آن نقل نشده است.

روز ازدواج نیز بنا بر مشهور، دهم  
 ماه مذکور است؛ چنان‌که سید بن  
 طاووس با سلسله اسنادش از شیخ  
 مفید چنین نقل می‌کند و روزه آن را  
 برای شکرانه این پیوند مقدس،  
 مستحب می‌داند.<sup>۵</sup>

شیخ مفید نیز همان تاریخ را ثبت  
 کرده است.<sup>۶</sup>

علامه مجلسی نیز آن را طبق نقل  
 سید بن طاووس از شیخ مفید روایت  
 کرده است.<sup>۷</sup>

مرحوم کاشف الغطاء هنگام بحث  
 از روز نهم ربیع الاول می‌افزاید:

«یکی دیگر از علل شادی و سرور  
 حضرت زهرا این است که روز نهم و دهم،  
 ایام پیوند مقدس سید کائنات با بانوی پاک  
 و پاک‌سرشت، حضرت خدیجه است که  
 بی‌گمان، حضرت زهرا، همه ساله در چنین  
 روزی شاد و مسرور است و به آن مباحثات  
 می‌کند. این شادی و سرور در این ایام به  
 شیعیان و ارادتمندانش به ارث رسیده  
 است.»<sup>۸</sup>

۱. بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۷۰.

۲. براساس محاسبه‌ای که اهل فن انجام داده‌اند،  
 ۵۰۰ درهم برابر ۱۶۲۱/۴ مثقال نقره خالص و در  
 زمان مادر حدود ۱۶۵۰۰۰ تومان است.

۳. السیره الحلییه، حلبی، بیروت، دار احیاء  
 التراث العربی، ج ۱، ص ۱۳۹.

۴. الکافی، ج ۵، ص ۳۷۵.

۵. المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۸۲.

۶. الاقبال، سید بن طاووس، قم، دفتر تبلیغات،  
 ۱۳۷۷ ش، ج ۲، ص ۱۱۵.

۷. مساز الشیعه، شیخ مفید، قم، بصیرتی، ۱۳۹۶  
 ق، ص ۲۹. به پیوست تاریخ الائمه، در ضمن  
 «مجموعه نفسیه».

۸. بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۳۵۷.

## همسر و هم سیز

کفایت و درایت حضرت خدیجه رضی الله عنها در سطحی بود که عظمت بیکران رسول اکرم صلی الله علیه و آله را درک می کرد. وی در مشکلات، یار و یاور آن حضرت بود. پیامبر نیز در امور زیادی با وی مشورت می کرد.<sup>۱</sup>

این نکته، بسیار حائز اهمیت است که دوران تجرد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ۲۵ سال و دوران پس از ازدواج آن حضرت ۳۸ سال است. آن جناب، ۲۵ سال آن را با حضرت خدیجه سپری کرد و ۱۳ سال دیگر را با ۱۳ زن دیگر. یعنی رسول اعظم صلی الله علیه و آله دقیقاً دو سوّم دوران پس از ازدواج خود را با یک همسر به سر برده و هرگز نیاز به همسر دیگری احساس نکرد. او، همسر و هم سیز پیامبر بود و با وجود چنین همسری، هیچ کمبودی در زندگی خویش احساس نمی شد.

در مقابل آن، حضرت رسول صلی الله علیه و آله در دوران ۱۳ سال پس از آن، با وجود ۱۳ همسر - که برخی از آنها همسران شایسته‌ای بودند - همواره جای خدیجه را خالی می دید و احساس خلأ

می کرد و به قدری از او یاد می کرد که باعث رنجش و حسد برخی همسران می شد.<sup>۲</sup>

اولیات حضرت خدیجه رضی الله عنها

۱. حضرت خدیجه، نخستین بانویی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با او ازدواج کرد.

۲. وی نخستین بانویی است که به رسالت پیامبر ایمان آورد و نام خود را با خطوطی زرین بر تارک صفحات تاریخ ثبت کرد.<sup>۳</sup>

۳. وی نخستین بانوی نمازگزار است که سالها تنها وی و حضرت علی رضی الله عنه در کنار کعبه با پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نماز برپا می داشتند تا بعدها جعفر طیار نیز به آنها پیوست.<sup>۴</sup>

۴. وی نخستین بانوی معتقد به ولایت امیر مؤمنان بود که پیامبر در شب ارتحالش فرمود: «باید به ولایت

۱. جنّة المأوی، کاشف الغطاء، تبریز، بی تا، ۱۳۹۷ق، ص ۹۴.  
 ۲. تذکرة الخواص، ابن جوزی، قم، مجمع جهانی اهل بیت، ۱۴۲۶ق، ج ۲، ص ۳۰۶.  
 ۳. الهدایة الکبری، خصیبی، ص ۳۹.  
 ۴. الامالی، شیخ طوسی، ص ۲۵۹، مجلس ۱۰، ح ۴۶۷.

بود، سخت و جانگداز بود. نوشته‌اند که آن جناب، در غم ارتحال همسرش به قدری اندوهگین شد که بر سلامتی اش نگران شدند.<sup>۳</sup>

به محضر پیامبر گفته شد: «پس از ارتحال خدیجه خیلی افسرده شده‌اید.» فرمود: «او مادر فرزندان و کدبانوی خانه‌ام بود» و می‌فرمود: «خداوند، محبت او را در دلم قرار داده بود.»<sup>۴</sup>

#### تاریخ وفات

اختلافی نیست که وفات ایشان، در ماه رمضان رخ داد.<sup>۵</sup> طبری، تاریخ آن را دهم رمضان در سال دهم بعثت ثبت کرده است.<sup>۶</sup>

غالب سیره‌نویسان متفق القول هستند که وفات آن خانم، در دهم رمضان سال دهم بعثت، سه سال پیش از هجرت در مکه واقع شد. وی در

**حضرت خدیجه، گذشته از جمال، کمال، مال و منال، از دانش، بینش، اصالت اندیشه، سلامت فکر، صلابت رأی، دقت نظر و قدرت تصمیم‌گیری به موقع**

#### برخوردار بود

علی بن ابی طالب شهادت دهی. خدیجه گفت: «به ولایت او ایمان آوردم و بیعت کردم.»<sup>۱</sup>

او نخستین بانویی بود که از دست مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از انگور بهشتی تناول فرمود.<sup>۲</sup>

#### غروب غمبار

۲۵ سال تمام پیامبر رحمت با وی انس داشت و او تنها ستارهٔ فروزان خانهٔ پیامبر بود و نگاههای جاذب و غم‌زدایش تنها مایهٔ تسلی رسول خدا صلی الله علیه و آله در محیط خانه بود؛ از اینرو غم ارتحالش به همین مقدار بر فرستادهٔ خدا صلی الله علیه و آله که دریای عواطف

۱. خصائص امیر المؤمنین، نسائی، ص ۴۵.
۲. بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۲۳۳.
۳. مجمع الزوائد، هیمی، ج ۹، ص ۲۲۵.
۴. سیر اعلام النبلاء، ذهبی، ج ۲، ص ۱۱۶.
۵. کفایة الطالب، گنجی شافعی، تهران، دار احیاء التراث اهل البيت، ۱۴۰۴ ق، ص ۳۵۹؛ تاریخ الاسلام، ذهبی، ج ۱، ص ۲۳۷.
۶. دلائل الامامة، طبری، ص ۸.

به خانه آنها قدم بگذارد؛ ولی او به رسم وفا به کنار قبر خدیجه آمد، آنجا خیمه زد و ایام اقامتش در مکه را در کنار قبر همسرش سپری کرد.<sup>۴</sup>

این عمل پیامبر، گذشته از درس حق شناسی به امت، پیام دلنشین و دلنوازی به حضرت خدیجه داشت:

«هان، ای سنگ صبور من! ای همسرا با وفای من! اگر در همه روزهای سخت زندگی، در دوران محاصره اقتصادی، در آن روزگار خفقان و اختناق جانکاه قریش در کنار من بودی و آن همه رنج و مشقت را به جان خریدی، اکنون، من پس از فتح قلعه‌های شرک و نفاق به کنار تربت پاک تو آمده‌ام تا شادی‌ام را با تو تقسیم کنم.»<sup>۵</sup>

حجون به خاک سپرده شد. شخص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وارد قبر شد و همسر گرامی‌اش را در قبر گذاشت.<sup>۱</sup>

### سال غم و اندوه

آنچه مسلم است این است که ارتحال حضرت خدیجه با فاصله اندکی از رحلت جانگداز بزرگ حامی پیامبر، حضرت ابو طالب رضی الله عنه اتفاق افتاد؛ از اینرو، پیامبر اکرم به شدت اندوهگین شد و آن سال را «عام الحزن»، یعنی سال غم و اندوه نام نهاد و همواره می‌فرمود: «تا ابو طالب و خدیجه زنده بودند، غم و اندوه بر من مستولی نشد.»<sup>۲</sup>

امیر بیان در سوگ حضرت خدیجه، چکامه‌ای سرود و از او به عنوان «بانوی بانوان» یاد کرد.<sup>۳</sup>

### حق شناسی پیامبر

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، کانون عواطف بود. آن جناب، لحظه‌ای خدمات، ایثارها، فداکاریها، شایستگیها، محبتها و دیگر فضایل خدیجه را فراموش نکرد.

هنگامی که پیامبر با ۱۰/۰۰۰ سرباز جنگی وارد مکه معظمه شد و کعبه را از لوث بتها پاک کرد، اشراف مکه با اصرار و الحاح از او خواستند که

۱. تذکرة الخواص، ابن جوزی، ج ۲، ص ۳۱۱؛ الطبقات الکبری، ابن سعد، ج ۸، ص ۱۸؛ الاصابه، ابن حجر، ج ۸، ص ۶۲؛ الاتحاف بحب الاشراف، الشیراوی، منشورات رضی، قم، ۱۳۶۳ ش، ص ۱۲۸.
۲. کشف الغمّه، اربلی، بیروت، دار الکتاب الاسلامی، ۱۴۰۱ق، ج ۱، ص ۱۶.
۳. بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۱۴۳.
۴. مصباح المتجهّد، شیخ طوسی، بیروت، فقه الشیعه، ۱۴۱۱ق، ص ۸۱۲.
۵. التاریخ، طبری، ج ۳، ص ۵۷.